خراسان روزنامه صبح ایران
یک‌شنبه ۶ خرداد ۱۳۹۷ . ۱۱ رمضان ۱۴۳۹ . شماره ۱۹۸۲۹

پیکر ۱۰ تن از مسافران هواپیمای تهران-یاسوج به همراه ۵۰ بافت انسانی پیدا شد. به گزارش رکنا، عزیز فیلی، معاون هماهنگی امور عمرانی استاندار کهگیلویه و بویراحمد، از پیدا شدن ۱۰ پیکر و تعداد ۵۰ بافت انسانی جان باختگان حادثه سقوط هواپیمای ای تی آر ۷۲ «تهران-یاسوج» در ارتفاعات دنا خبر داد. وی افزود: عملیات جست‌وجوی جان باختگان همچنان در ارتفاعات دنا ادامه دارد و فعلا زمان خاصی برای اتمام عملیات وجود ندارد.

پیدا شدن پیکر ۱۰ تن از مسافران سانحه هوایی تهران-یاسوج

از میان خبرها

اعضای خانواده ۴ نفره پارس‌آبادی در تصادف جان باختند

پدر، مادر و دو دختر عضو یک خانواده، روز شنبه بر اثر سانحه رانندگی در شهرستان پارس آباد مغان جان خود را از دست دادند.
خودروی پراید حامل اعضای این خانواده در ۳ کیلومتری پلیس راه سربند و در نزدیکی روستای هزار کندی شهرستان پارس آباد مغان با یک دستگاه کامیون برخورد کرد و متلاشی شد.
شدت این حادثه به حدی بود که هر چهار عضو این خانواده در دم جان باختند.
سرهنگ حجت فتاحی، رئیس پلیس راه استان اردبیل به خبرنگار ایرنا گفت: بر اساس بررسی اولیه، خستگی و بی توجهی به جلو از سوی راننده خودروی پراید عامل بروز این سانحه تاسف برانگیز بوده است.

ماجرای مرده‌ای که زنده شد!

جوان ۱۸ ساله چابکسری که خودرا حلق آویز کرده بود، با عملیات امدادی احیا از مرگ نجات یافت.
به گزارش رکنا، دکتر «پیمان اسدی» با اشاره به نجات جان جوان ۱۸ ساله از مرگ، اظهار کرد: در پی گزارش حلق آویز کردن جوان ۱۸ ساله ای در چابکسر، بلافاصله تکنسین‌های اورژانس ۱۱۵ به محل حادثه اعزام شدند.
مدیر مرکز حوادث و فوریت‌های پزشکی گیلان افزود: این جوان ۱۸ ساله که به دلیل حلق آویز کردن خود، بدون نبض، تنفس و علایم حیاتی و ترومای گردن بود، تحویل تیم فوریت‌های پزشکی شد. در مسیر اعزام به بیمارستان با مدیریت به موقع صحنه متشنج و ناآرامی همراهان، سریع اقداماتی نظیر مونیتورینگ، شروع cpr و اینتوبه کردن بیمار و همچنین تزریق داروهای مورد نیاز و فیکس به موقع مهره‌های گردن انجام شد.
وی یادآور شد: خوشبختانه با برگشت نبض، جوان ۱۸ ساله تحویل اتاق احیا و در ادامه آی سی یو بیمارستان امام سجاد(ع) شد.

سیل در ۱۳ استان کشور ۷ قربانی گرفت

رئیس سازمان امداد و نجات جمعیت هلال احمر با تشریح عملیات امدادگران در ۱۳ استان متاثر از سیل و آب گرفتگی، از رسیدن آمار فوتی‌های سیل و آب گرفتگی در هفته اخیر به هفت نفر خبر داد.
مرتضی سلیمی در گفت‌وگو با ایسنا، با تشریح امدادرسانی در مناطق متاثر از سیل و آب گرفتگی از تاریخ ۳۰ اردیبهشت تا ساعت ۶ صبح روز گذشته، اظهار کرد: در این مدت به ۶۹ شهر، روستا و مناطق عشایر نشین ۱۳ استان آذربایجان شرقی و غربی، اردبیل، اصفهان، البرز، تهران، چهارمحال و بختیاری، زنجان، قزوین، قم، کردستان، گیلان و همدان امدادرسانی شد و هم اکنون امدادرسانی در استان‌های آذربایجان شرقی و غربی ادامه دارد.
وی درباره آمار فوتی‌ها نیز گفت: در این مدت هفت نفر فوت کردند که چهار نفر آن‌ها در استان‌های آذربایجان غربی، تهران و کردستان به دلیل غریق سیلاب، جان خود را از دست دادند. همچنین بر اثر صاعقه نیز سه نفر دیگر در استان‌های آذربایجان غربی، کرمانشاه و چهارمحال و بختیاری فوت کردند.
سلیمی همچنین گفت: یک نفر نیز در میانه استان آذربایجان شرقی مفقود شده است که جست و جو برای یافتن وی ادامه دارد.

قرص‌های روان گردان ۵ دانش‌آموز مشهدی را روانه بیمارستان کرد

پنج دانش‌آموز مشهدی با قرص‌های روان گردان مسموم شدند.
براساس این گزارش یک دانش‌آموز ۱۲ ساله همراه خود چند قرص روان گردان به مدرسه برده بود که در اثر مصرف آن‌ها، او و چهار همکلاسی‌اش مسموم شدند.
با انتقال این دانش‌آموزان به مرکز درمانی آن‌ها بلافاصله تحت درمان قرار گرفتند.
تحقیقات برای مشخص شدن زوایای پنهان این ماجرا ادامه دارد.

قتل هولناک دختر ۹ ساله در دلگان

دختر ۹ ساله‌ای در دلگان، قربانی جنایت وحشتناک پسر عموی خود شد.
به گزارش رکنا، ۳۰ اردیبهشت امسال، عاطفه ۹ ساله ساعت ۲ بعداز ظهر در روستای گزشاهان شهرستان دلگان در مسیر خانه پدربزرگ خود به شکل مرموزی گم شد.
جست‌وجوها برای یافتن عاطفه بی ثمر ماند تا این که ماجرای گم شدن عاطفه با جنایتی هولناک گره خورد که در پس آن، پسرعموی ۲۸ ساله‌اش قرار داشت.
پدربزرگ عاطفه در گفت‌وگو با رکنا درباره این جنایت گفت: خانه عاطفه و پسرعمویش در همسایگی یکدیگر بود و هیچ گونه کینه و مشکلی با یکدیگر نداشتند.
وی ادامه داد: پسرعموی عاطفه سابقه دار است و احتمالا برای سرقت او را کشته است.
پدربزرگ عاطفه افزود: قاتل روز اول، جسد را پس از این که در نزدیکی رودخانه‌ای به آتش کشاند، دفن کرد. اما روز گذشته پس از این که متوجه شد راز جنایتش در حال لو رفتن است، جسد را نبش قبر کرد و قصد داشت آن را در نزدیکی خانه پدری‌اش مخفی کند تا با این صحنه سازی، از لو رفتن این که در قتل عاطفه نقش دارد، جلوگیری کند.
وی بیان کرد: هم اکنون قاتل دستگیر شده و در اختیار ماموران پلیس آگاهی است.
بنابر گزارش پلیس، شخصی این جنازه را به این منطقه آورد و بلافاصله متواری شد که با اجرای طرح مهار، متهم حوالی روستای چاه کیچی دستگیر شد و به جرمش اعتراف کرد اما به دلیل نداشتن وضعیت روحی مناسب، به بهداری منتقل شد تا در زمان مناسب انگیزه قتل بررسی شود.

ماجرای آدم‌ربایی به قتل گره خورد

درگیری خونین قمه‌کش‌ها

سید خلیل سجادپور - درگیری خونین قمه کش ها در بولوار طبرسی شمالی مشهد که به قتل انجامید، در حالی به ماجرای آدم‌ربایی گره خورد که زن جوانی مدعی شد دو تن از عاملان این درگیری خونین، او را ربوده و مورد آزار قرار داده‌اند. به گزارش خراسان، بامداد جمعه گذشته، فریادهای دلخراش چند جوان قمه به دست، سکوت بامدادی در منطقه بولوار دوم طبرسی مشهد را شکست.
این درگیری که با شکستن شیشه‌های خودروها نیز همراه بود، اهالی منطقه را هراسان از منازلشان بیرون کشید اما آن‌ها از ترس قمه به دستانی که بی محابا به سوی یکدیگر حمله‌ور شده بودند، به طور پنهانی و از گوشه و کنار منازل به این صحنه وحشتناک می نگریستند. این در حالی بود که شاهدان عینی، دو جوان قمه به دست را دیدند که دست زن جوانی را گرفته و او را کشان کشان با خود می بردند اما صحنه این درگیری خونین، زمانی هولناک‌تر شد که پیکر غرق در خون جوانی حدود ۳۵ ساله مقابل یک منزل مسکونی سه طبقه افتاد و لحظاتی بعد جان سپرد. وقتی با تماس های مردمی، ماموران کلانتری به محل رسیدند که دیگر نزاع خاتمه یافته و از زن جوان ربوده شده نیز خبری نبود. گزارش خراسان حاکی است با گزارش ماجرای درگیری مرگبار «قمه به دستان» به قاضی ویژه قتل عمد، در حالی قاضی کاظم میرزایی به همراه عوامل اداره جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی عازم محل وقوع جنایت شد که سپیده بامدادی از پیله تاریک شب بیرون می خزید. با حضور مقام قضایی در محل، تحقیقات میدانی و تخصصی درباره این جنایت هولناک آغاز شد. مردی که شیشه های خودروی وی توسط عاملان این درگیری خونین، تخریب شده بود به قاضی ویژه قتل عمد گفت: وقتی با سر و صدای قمه به دستان بیرون آمدیم، آن ها شیشه های خودروام را شکستند و از من خواستند از خانه بیرون نیایم! برخی شاهدان نیز ردپای این جنایت را به زن جوان مطلقه ای ارتباط دادند که قمه به دستان او را با خود برده بودند. یکی دیگر از خسارت دیدگان این حادثه نیز مدعی شد: در حال عبور با خودرو از داخل خیابان بودم که چند نفر به سمت من حمله‌ور شدند و شیشه های خودروام را شکستند!

ادامه تحقیقات نشان می داد جوانی که با ضربات قمه به قتل رسیده، معروف به رضا تهرانی است و نزدیکی از دوستانش به نام هادی در همان ساختمان سه طبقه حضور داشته که به هواخواهی از دوستش وارد ماجرای این درگیری خونین شده است.
این گونه بود که تحقیقات قاضی شعبه ۲۱۱ دادسرای عمومی و انقلاب مشهد به بررسی وضعیت اجتماعی و اخلاقی ساکنان ساختمان سه طبقه کشید.
در طبقه اول این ساختمان زنی زندگی می کرد که چند ساعت قبل توسط ماموران کلانتری شهید هاشمی نژاد مشهد به همراه پسر مردی که در طبقه سوم زندگی می کند به اتهام سرقت دستگیر شده بود. این زن که در کلانتری توسط قاضی میرزایی مورد بازجویی قرار گرفت، مدعی شد دخترش در جای دیگری زندگی می کند اما چند روزی است که به خاطر اختلاف با همسرش نزد او آمده است و بدین ترتیب هویت دخترش را فاش کرد.
ادامه بررسی ها بیانگر آن بود که دختر ربوده شده، دختر همین زنی است که در طبقه اول ساختمان سکونت دارد.
بنا به گزارش خراسان، با به دست آمدن این اطلاعات، تحقیقات در محل وقوع جنایت در حالی ادامه یافت که مرد ساکن طبقه سوم این ساختمان، ادعا می کرد برخی عوامل این نزاع خونین در خانه او بودند که ناگهان برق ساختمان قطع شد و دو نفر قمه به دست به زور وارد خانه شدند. آن ها قصد داشتند که دختر ساکن در طبقه اول را با خود ببرند که درگیری بین دیگر اهالی ساختمان رخ داد و در این میان رضا تهرانی به قتل رسید. این در حالی بود که ماموران کلانتری شهید هاشمی نژاد مشهد فرزند مرد ساکن در طبقه سوم ساختمان را به اتهام سرقت دستگیر کرده بودند. با وجود این، بررسی ها نشان می داد که در طبقه دوم ساختمان کسی حضور نداشته و آن شب خالی از سکنه بوده است.
تحقیقات درباره این درگیری مرگبار به ساعت ۹ صبح جمعه کشیده بود که ناگهان زن جوان با مراجعه به کلانتری محل، ادعا کرد همان زنی است که عاملان درگیری او را با تهدید و توسل به زور ربوده و در منزلی در همان نزدیکی مورد آزار قرار داده‌اند.
با گزارش این ماجرا به قاضی میرزایی، شاخه دیگری از روند عملیاتی این پرونده به سوی تحقیق از زن جوان کشیده شد. ادامه بررسی ها نشان می داد که خواهر یکی از متهمان تحت تعقیب در همان نزدیکی زندگی می کند بنابراین، این فرد در یک عملیات هماهنگ و غافلگیرانه در منزل یکی دیگر از بستگانش شناسایی و دستگیر شد.
«م-د» که ۲۲ سال سن دارد، در بازجویی ها گفت: ما شیشه کشیده بودیم و حال طبیعی نداشتیم. وی در عین حال به شرکت در نزاع دسته جمعی و همچنین آزار زن جوان اعتراف کرد.
تحقیقات بیشتر برای دستگیری دیگر عوامل مرتبط با این پرونده جنایی همچنان با صدور دستورات ویژه‌ای از سوی قاضی کاظم میرزایی ادامه دارد.

دزدی که برای چهاردهمین بار دستگیر شد

سرقت با جعل عنوان «سرهنگ پلیس مواد مخدر»

معاون مبارزه با سرقت های خاص پلیس آگاهی تهران بزرگ، از دستگیری یکی از مجرمان سابقه دار و حرفه ای برای چهاردهمین بار خبر داد. وی با جعل عنوان "سرهنگ پلیس مبارزه با موادمخدر" و با همدستی دو نفر دیگر، اقدام به سرقت و زورگیری در مناطق مختلف شهر تهران کرده بودند.
به گزارش ایسنا، ۲۹ فروردین ماه امسال دو برادر با مراجعه به کلانتری ۱۵۴ چیتگر به مأموران اعلام کردند که دو سرنشین یک دستگاه خودرو پراید ۱۳۲ سفیدرنگ، تحت عنوان مأموران پلیس مبارزه با موادمخدر اقدام به سرقت بیش از ۵۰۰ هزار تومان وجه نقد آن‌ها کرده و متواری شده‌اند.
مال باختگان به مأموران گفتند: از پل عابر پیاده پایین آمده بودیم که ناگهان یک خودرو پراید ۱۳۲ سفیدرنگ با دو سرنشین دربرابر ما توقف کرد. سرنشین پراید پس از پیاده شدن به سمت ما آمد و ضمن معرفی خود به عنوان سرهنگ پلیس مبارزه با موادمخدر، ادعا کرد بر اساس گزارشی که به آنان رسیده است افرادی با مشخصات ظاهری ما در این منطقه اقدام به فروش موادمخدر می کنند و به این بهانه شروع به بازرسی ما کرد و در حالی که ۵۰۰ هزار تومان پول همراه ما را روی صندلی خودرو ریخته بود، از ما خواست تا کمی از خودروی آن‌ها فاصله بگیریم اما در همین زمان او به سرعت سوار خودرو شد و به همراه راننده آن به سرعت از محل دور شدند و ما تنها موفق به یادداشت پلاک خودرو شدیم.
مأموران کلانتری ۱۵۴ چیتگر با بهره گیری از شماره پلاک ارائه شده از سوی مال باختگان، اقدام به شناسایی مالک خودرو کردند و در ادامه مشخص شد خودرو به نام یک خانم ثبت شده اما در اختیار همسر وی به نام اکبر . پ ۴۵ ساله است که با شناسایی تصویر اکبر توسط دو شاکی پرونده، او توسط مأموران دستگیر شد. وی در تحقیقات اولیه با انکار انجام هر گونه سرقت، مدعی بود که قطعا مال باختگان شماره پلاک خودروی او را به اشتباه برداشتند اما دو شاکی پرونده که دو برادر بودند، در مواجهه حضوری، وی را به صورت ۱۰۰ درصدی به عنوان راننده پراید در زمان سرقت، شناسایی کردند.
اکبر که در تحقیقات اولیه منکر هر گونه ارتکاب سرقت شده بود، پس از انتقال به اداره پنجم پلیس آگاهی تهران بزرگ به عنوان یکی از مجرمان سابقه دار، با پنج فقره سابقه دستگیری به اتهام ارتکاب جرایم مختلف نزاع و درگیری منجر به قتل عمد، سرقت، اخاذی و ... شناسایی شد و در حالی که چاره‌ای جز اعتراف نداشت، به صراحت به ده ها فقره سرقت تحت عنوان مأمور با همدستی همراه خود به نام بابک ۳۹ ساله اعتراف کرد و در اعترافاتش به کارآگاهان گفت: در کمپ ترک اعتیاد با بابک آشنا شدم، در زمان سرقت ها، من راننده بودم و

بابک نیز پس از شناسایی سوژه های مد نظر از خودرو پیاده می شد و سرقت ها را انجام می داد، پول حاصل از سرقت را به صورت مساوی با هم تقسیم می کردیم و گوشی های مسروقه را نیز بابک در کرج می فروخت.
با شناسایی تصویر بابک به عنوان سارق اصلی و شخصی که خودش را به عنوان سرهنگ پلیس مبارزه با موادمخدر به مال باختگان معرفی کرده بود، کارآگاهان اداره پنجم پلیس آگاهی تهران بزرگ اقدام به شناسایی مخفیگاه وی در شهرستان کرج، منطقه حیدرآباد کردند و در تاریخ بیستم اردیبهشت ماه ضمن دستگیری وی، در همان بازرسی اولیه از محل دستگیری متهم، موفق به کشف تعدادزیادی گوشی تلفن همراه متعلق به افراد دیگر شدند.
همزمان با ورود کارآگاهان به داخل مخفیگاه بابک، یک دستگاه خودرو سمند نقره ای رنگ با پلاک مخدوش و ناخوانا به آن جا نزدیک شد که کارآگاهان پلیس آگاهی خودرو را متوقف و در بازرسی از داخل آن چندین دستگاه گوشی تلفن همراه را کشف و ضبط کردند، راننده سمند نیز به نام منصور . خ ۳۵ ساله در همان لحظه دستگیری صراحتا به مسروقه بودن تمامی گوشی های تلفن همراه کشف شده اعتراف کرد و گفت که تمامی سرقت های خود را با همراهی بابک انجام داده و آخرین سرقت آن‌ها نیز چند ساعت قبل بوده است.
بابک نیز پس از انتقال به اداره پنجم پلیس آگاهی تهران بزرگ، چاره‌ای جز اعتراف نداشت و در همان تحقیقات اولیه صراحتا به ده ها فقره سرقت اعتراف کرد و گفت: بارها به اتهام سرقت و همچنین کلاهبرداری در پوشش عناوین مختلف دستگیر و روانه زندان شدم و آخرین بار حدود سه سال پیش به جرم سرقت تحت پوشش مأمور به زندان رفتم و حدود سه ماه پیش از زندان آزاد شدم. هنگام سرقت خودم را مأمور پلیس مبارزه با موادمخدر معرفی می کردم. سرقت ها را با خودروی پراید سفید ۱۳۲ متعلق به اکبر آغاز کردم از مدتی که اکبر دستگیر شد، ادامه سرقت های خود را این بار با همراهی منصور و با خودروی سمند نقره ای او از ساعت ۶ صبح تا ۱۰:۳۰ شب انجام می دادم.

در امتداد تاریکی

آلونک بدبختی

روزی که از آن لانه جهنمی فرار کردم، سرگردان و حیران مانده بودم که به کجا بروم. من که هیچ کسی را نداشتم، بدون هیچ هدفی در خیابان ها قدم می زدم که با زنی در پارک آشنا شدم. آن زن مرا با حیله گری و چرب زبانی به منزلش برد. با خودم فکر کردم دوره بدبختی و فلاکت تمام شده و حالا زندگی توأم با آرامش را آغاز می کنم اما نمی دانستم با ورود به منزل ربابه خانم چه سرنوشت شومی خواهم داشت و...
زن ۲۴ ساله در حالی که اضطراب و ناراحتی سراسر وجودش را فرا گرفته بود، با صدایی لرزان به مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری الهیه مشهد گفت: من با مادر شوهرم هیچ دعوا و درگیری لفظی نداشتم، او با طرح این شکایت دروغین قصد دارد من را از منزلش بیرون کند و...
زن جوان در حالی که بغض چندین ساله غم و تنهایی اش ترکیده بود و قطرات اشک پهنای صورتش را خیس می کرد، به تشریح ماجرای تلخ و دردناک زندگی اش پرداخت و گفت: دوران کودکی خوبی را در شهر بم و در کنار پدر و مادر و تنها برادرم سپری می کردم اما از زلزله ای که ۱۴ سال پیش رخ داد، من و خانواده ام را از هم جدا کرد. در آن حادثه هولناک من همه خانواده و بستگانم را از دست دادم و در مدت چند دقیقه تنها و بی کس شدم از این رو یکی از بستگان مادرم که وضعیت مالی خوبی نداشت، مجبور شد مرا به مردی به مشهد بسپارد که به او خیلی اعتماد داشت و قرار شد من در کارگاه خیاطی آقاجلال کار کنم و شب ها را نیز در آن جا بمانم. با داشتن غم و اندوه بزرگی که در دلم لانه کرده بود و جدایی از پدر و مادرم، احساس دلتنگی شدیدی داشتم اما ورود به آن مکان و سرگرم شدن در کارگاه خیاطی و گاهی بازی با فرزندان آقاجلال باعث شد آرام آرام به آن جا دل ببندم و کمتر بیتابی کنم، دو سال گذشت تا این که روزی در خلوت خودم مشغول بازی بودم که آقاجلال از من خواست به اتاقش بروم و در کمال ناباوری و با توسل به زور، دامن مرا لکه دار کرد و هستی ام را از دست داد. آن جا بود که تنفر شدیدی به همه مردان پیدا کردم اما چاره ای جز تحمل آن وضعیت وحشتناک نداشتم. سال ها می گذشت و او به اعمال شیطانی اش ادامه می داد، این در حالی بود که آقاجلال قلب مرا جریحه دار کرده بود و با تمام بی کسی هایم خدا را صدا می زدم تا مرا از این منجلاب کثیف نجات بدهد. بعد از چهار سال از آن ماجرا، تصمیم گرفتم از آن آلونک بدبختی فرار کنم. با ترک ورهایی از آن خانه فکر می کردم می توانم زندگی خوبی را شروع کنم اما بعد از آشنایی با ربابه خانم از چاله به چاه افتادم و زندگی در منجلاب گناه و فساد را از ربابه خانم آموختم. او معتقد بود برای رسیدن به یک زندگی ایده آل باید تن به هر کاری بدهیم تا به آن برسیم. دوستی و رابطه با مردان هوسران و بی مسئولیت و سرکیسه کردن جوانان پولدار و خلافکار را تا چندین سال ادامه دادم تا این که با عرفان آشنا شدم. او همسرش را طلاق داده بود و با پدر و مادرش زندگی می کرد. عرفان قلب مهربانی داشت و کم کم به او علاقه مند شدم.
همیشه با هم بودیم تا این که فهمیدم باردار شده ام. دلم یک زندگی پاک و معمولی می خواست با خودم فکر کردم حالا که باردار شده ام می توانم با عرفان زندگی آرام و خوبی داشته باشم، از این رو با او صحبت کردم و عرفان نیز مرا به همسری پذیرفت. از روز اولی که پا به خانه مادر عرفان گذاشتم او با نگاه های تنفرآمیز و نیش و کنایه هایش زجرم می داد و مرا در شأن خانواده شان نمی دانست. مادر شوهرم مدام عرفان را به خاطر این که با من ازدواج کرده بود شماتت می کرد و زمانی که همسرم در منزل نبود با زخم زبان هایش مرا رنج می داد. او حتی برای از بین بردن فرزندی که باردار بودم، معجونی را به خوردم داد که حالم خیلی بد شد و تا ساعت ها بیهوش در منزل افتادم. با وجود این، تمام سختی ها و سرزنش های مادر شوهرم را تحمل می کردم ولی از زمانی که عرفان مرا رها کرد و به خانه بازنگشت، اوضاع من بدتر شد. بعد از یک هفته که از او خبری نداشتم ابلاغیه ای از کلانتری به دستم رسید که مادر شوهرم از من به خاطر فحاشی و ضرب و شتم شکایت کرده بود! او در واقع می خواست مرا با این ترفند از خانه و زندگی اش بیرون کند. می دانم که عرفان نیز از ازدواج با من پشیمان شده اما من آمده ام بگویم من هیچ کس و کارو سرپناهی ندارم، به من کمک کنید تا به مرکزی معرفی شوم و این بچه را نیز سقط کنم و...
شایان ذکر است به دستور سرهنگ توفیق حاجی زاده (رئیس کلانتری الهیه) این زن برای بازگشت به زندگی خانوادگی خود در مرکز مددکاری پلیس مشاوره های اجتماعی و خانوادگی لازم را دریافت کرد.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

یکی از دلایل مهم اثر بخش نبودن بعضی از تبلیغات، باور نداشتن تبلیغ توسط سفارش دهنده است.

گمشده -صاحب عکس
حسینعلی مهری ۶۸ ساله
از تاریخ ۹۷/۲/۱۰ از (محدوده بهشت رضا) خارج شده و تاکنون مراجعه ننموده است کسانی که از ایشان اطلاعی دارند خواهشمند است با شماره ۰۹۳۷۰۶۶۵۵۵۸ تماس حاصل نموده و مژدگانی قابل توجهی دریافت نمایند.
م/۹۷۰۳۶۷۶۸

آگهی مناقصه عمومی شماره ۹۷/۲۶۰۲-م/۱۷۰
شرکت ایران خودرو خراسان درنظر دارد تعداد ۶۷۲۰۰۰ عدد نوشابه شیشه ای جهت مصرف یکسال کارکنان خود را از طریق مناقصه عمومی از تامین کنندگان واجد شرایط خریداری نماید.
سپرده شرکت در مناقصه ۱۶۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال می باشد .
متقاضیان می توانند جهت دریافت وتحویل اسنادمناقصه از تاریخ ۹۷/۳/۶ لغایت ۹۷/۳/۱۳ به شرح ذیل اقدام نمایند:
۱-دریافت اسناد مناقصه بصورت حضوری از واحد بازرگانی ایران خودرو خراسان در روزهای کاری از ساعت ۸ الی ۱۵ یا از طریق سایت اینترنتی Tender.ikk.ir
۲-جهت تحویل پاکات مناقصه بصورت حضوری به آدرس : شرکت ایران خودرو خراسان ، کیلومتر ۵۵ جاده مشهد - نیشابور دفتر مدیریت عامل در روزهای کاری از ساعت ۸ الی ۱۴
تلفن: ۰۵۱-۳۳۵۶۳۰۵۰ نمابر: ۰۵۱-۳۳۵۶۳۵۴۰
(شرکت ایران خودرو خراسان در رد یک یا کلیه پیشنهادات واصله مختار است)
(هزینه درج یک نوبت آگهی روزنامه بر عهده برنده مناقصه است)
ارتباطات و امور بین الملل
م/۹۷۰۳۷۳۶۱

آگهی مناقصه عمومی
موضوع:
۱- احداث قبور در بلوک ۱۴ آرامستان بهشت رضا (علیه السلام)
۲- احداث قبور در بلوک ۱۴ آرامستان بهشت رضا (علیه السلام)
جهت کسب اطلاعات بیشتر به سایت www.ets.mashhad.ir مراجعه شود .
تلفن تماس : ۳۶۲۳۷۳۸۷
امور قراردادها و پیمان های سازمان فردوس های شهرداری مشهد
م/۹۷۰۳۶۹۴۶

آگهی مناقصه شماره ۳۳۴
واگذاری کلیه خدمات مربوط به تعمیرات انواع اتوبوسهای سازمان
نام و نشانی کارفرما: سازمان اتوبوسرانی شهرداری مشهد ،انتهای خیابان فدائیان اسلام ساختمان حوزه معاونت حمل و نقل و ترافیک شهرداری طبقه اول
موضوع: انجام کلیه خدمات مربوط به تعمیرات اتوبوسهای سازمان شامل موتور، رادیاتور، صافکاری و نقاشی ، آهنگری و فرمان، پمپ باد و کمپرس و غیره
- صلاحیت شرکت کنندگان و دریافت اسناد: کلیه اشخاص (پیمانکاران) می توانند با دارا بودن مجوز و رتبه فعالیت از اداره کل تعاون، کار و رفاه تامین اجتماعی و ثبت نام در سامانه تامین کنندگان شهرداری (vendor.mashhad.ir) از تاریخ انتشار آگهی تا پایان وقت اداری مورخ ۹۷/۰۳/۱۹ با واریز مبلغ ۲۰۰/۰۰۰ (دویست هزار) ریال به حساب شماره ۷۰۰۶۵۱۰۵۶۷ نزد بانک شهر به نام سازمان اتوبوسرانی مشهد و ارائه اصل فیش به امور مناقصات سازمان نسبت به دریافت اسناد اقدام نمایند.
- آخرین مهلت تسلیم اسناد و پیشنهادات: تا ساعت ۱۴ روز سه شنبه مورخه ۹۷/۰۳/۲۲ در محل دبیرخانه حراست سازمان می باشد .
مبلغ برآورد وتضمین شرکت در مناقصه : به ترتیب مبلغ ۳۴/۶۵۰/۷۵۴/۱۴۲ ریال و رقم ۱/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال می باشد . جهت کسب اطلاعات بیشتر به سایت مناقصات و مزایدات شهرداری مشهد www.ets.mashhad.ir مراجعه فرمایید.
سازمان اتوبوسرانی شهرداری مشهد
م/۹۷۰۳۶۹۴۸

بازار محله
ویژه مناقصه، مزایده و فرصت های شغلی شهر مشهد
ضمیمه رایگان امروز روزنامه خراسان
ویژه منطقه یک:
امامت، ایرج میرزا، سید رضی، دانش آموز، دانشجو، معلم، استقلال، فارغ التحصیلان، سمت راست بولوار وکیل آباد و طرقبه
ویژه منطقه هفت:
قاسم آباد، الهیه، اندیشه، حجاب، شریعتی، شاهد، امامیه، دکتر یوسفی، جاهد شهر، امام هادی، بولوار توس، سعدآباد، نشاط، مشهد، بلوار سازمان آب، نبش شهید صادقی ۱۸، پلاک ۱۶۲
پذیرش آگهی در ویژه نامه: ۳۷ ۶۳۵۹ ۱۱
مدیریت: فیروز خسروانی ۰۹۱۵۱۱۱۸۰۰۰
م/۹۷۰۳۷۰۷۹

آگهی مزایده
سازمان پارک ها و فضای سبز شهرداری مشهد
موضوع :
۱- اجاره املاک متعلق به سازمان
برای کسب اطلاعات بیشتر به سایت ets.mashhad.ir مراجعه نمایید
سازمان پارک ها و فضای سبز شهرداری مشهد
م/۹۷۰۳۶۹۱۹